

## عدم امکان آوردن مانند قرآن

قرآن معجزه جاویدان اسلام است و اعجاز آن از این جهت است که هیچکس را توانائی آوردن سوره‌ای همانند سوره‌های قرآن نیست و اگر تمام دانشمندان و متفکران عالم جمع شوند و عقول خود را روی هم بریزند هرگز نخواهند توانست که جملاتی مانند یک سوره از سوره‌های قرآن بسازند.

این موضوع را قرآن کریم در زمان نزول خود مطرح کرد و جهانیان را آشکارا به معارضه و مبارزه طلبید و اکنون که بیش از چهارده قرن از آن می‌گذرد، این دعوت همچنان به قوت خود باقی است و قرآن همچنان مبارزه می‌طلبد و به اصطلاح تحدی می‌کند.

به گواهی تاریخ از آغاز تحدی قرآن تا این تاریخ هیچکس نتوانسته است همانند سوره‌ای از سوره‌های قرآن را بیاورد و دشمنان اسلام از هر راهی برای مقابله با گسترش اسلام وارد شده‌اند و حتی جنگهای خونینی به راه انداخته‌اند اما از این راه که به ظاهر راه آسانتری می‌نماید وارد نشده‌اند و این نیست مگر از جهت اعجاز قرآن کریم و اینکه به راستی بشر از آوردن مانند قرآن ناتوان است.

قرآن کریم در سه مرحله تحدی کرده و منکران نبوت پیامبر اسلام را به معارضه و مقابله طلبیده است.

در مرحله اول از آنها خواسته است که مانند همه قرآن را بیاورند:

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْإِنْسُ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا  
كُنَّا بِعَفْوَهِمْ لَبِيفِينَ ظَهِيْرًا  
(سوره اسراء، ۸۸).

بگو اگر جن و انس جمع شوند بر اینکه مانند این قرآن را بیاورند نخواهند توانست مانند آن را بیاورند اگرچه پشتیبان همدیگر باشند.

به طوری که ملاحظه می‌فرمائید، در این آیه باتمام قرآن تحدی شده است ولی از آنجا که این سوره (سوره اسراء) یک سورهٔ مکی است و طبعاً درموقع نزول این آیه همه قرآن نازل نشده بود، معلوم است که تحدی به آن آیاتی شده که تا زمان نزول این آیه نازل شده بود و درست است که ما حجم آن آیات را نمی‌دانیم ولی به هرحال قسمتهائی از قرآن نازل شده بوده و میان مردم به قرآن شهرت داشته است و درآن زمان قرآن با تمام آیات و سوره‌های خود تحدی کرده است. درمرحله دوم، قرآن از مرحله اول تنازل می‌کند و منکران را به آوردن همانند ده سوره از سوره‌های خود می‌خواند:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَاذْعُوا مَنِ اسْتَعْطَقْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ  
(سوره هود، ۱۳).

یا می‌گویند قرآن را دروغ بسته است بگو پس شما نیز مانند ده سوره آن به دروغ بیاورید و جز خدا هرکس را که می‌توانید به کمک بخواهید، اگر راست می‌گویید. دراین آیه حجم تحدی تقلیل می‌یابد و به ده سوره می‌رسد البته این آیه نیز در یک سوره مکی است و درزمانی نازل شده که همه قرآن نازل نشده بوده است.

درمرحله سوم، بازهم قرآن تنازل می‌کند و تنها یک سوره از سوره‌های قرآن را به تحدی می‌گذرانند و از آنها می‌خواهد حال که تمام قرآن و یاده سوره از سوره‌های آن را بیاورید، پس مانند آن، تنها یک سوره از سوره‌های آن را بیاورید:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَاذْعُوا مَنِ اسْتَعْطَقْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ  
(سوره بونس، ۳۸).

یا می‌گویند که قرآن دروغ بسته است بگو پس سوره‌ای مثل آن را بیاورید و جز خدا هرکس را می‌توانید به کمک بخواهید اگر راست می‌گویید.

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَيَّ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَاذْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَأْتُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ  
(سوره بقره، آیات ۲۳ و ۲۴).

و اگر در آنچه که به بنده خود نازل کرده‌ایم تردید دارید، پس سوره‌ای مانند آن را بیاورید و گواهان خود را جز خدا بخواهید اگر راست می‌گویید و اگر نکردید و هرگز نخواهید کرد پس بترسید از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ است و برکافران آماده شده است. دراین دو آیه اخیر که اولی مکی و دومی مدنی است قرآن تنها با یک سوره تحدی کرده و

آنان را به مبارزه و معارضه طلبیده است و در دنباله آیه دوم پیش‌بینی کرده است که آنها هرگز نخواهند توانست سوره‌ای مانند قرآن را بیاورند و این خود دو معجزه است یکی عجز بشر از آوردن مانند قرآن و دیگری درست بودن خبر غیبی قرآن دائر بر اینکه مردم هرگز دست به چنین کاری نخواهند زد و همه ما بخوبی می‌دانیم که تاکنون هیچ فرد یا گروهی نتوانسته‌اند سوره‌ای به اتقان و استحکام یکی از سوره‌های قرآن بیاورند.

در اینجا این بحث مطرح می‌شود که چه چیزی باعث معجزه بودن قرآن شده است چرا تاکنون هیچکس نتوانسته مانند آن را بیاورد؟ و یا اگر کسی هم مانند *مُسلِمة کَذَّاب و سجاج* جملاتی را آورده‌اند، جز رسوائی و خذلان برای خود نیاورده‌اند و خود را مضحکه دیگران قرار داده‌اند و بالاخره وجه یا وجوه اعجاز قرآن چیست؟

بحث دربارهٔ وجوه اعجاز قرآن هم در کتب کلامی آمده و هم در تفاسیر و کتب مربوط به علوم قرآن عنوان شده است و این مسأله به لحاظ اهمیتی که دارد، مورد توجه خاص صاحب‌نظران قرار گرفته است و با وجود اینکه این موضوع از دیرباز به طور تفصیل محل بحث و بررسی واقع شده، هنوز هم زمینه برای بحثهای بیشتر موجود است و به طوری که خواهیم دید متأخران، وجوه جدیدی را عنوان کرده‌اند که در کلام پیشینیان نیامده است.

بامراجعه به کتب کلامی و تفسیری و کتابهایی که دربارهٔ علوم قرآنی و یا منحصرأ راجع به اعجاز قرآن نوشته شده، به نظر می‌رسد که بحث دربارهٔ وجوه اعجاز قرآن به صورت یک مسأله اعتقادی به اوائل قرن سوم مربوط می‌شود و از آن فزاتر نمی‌رود هرچند در کلمات پیامبر و ائمه (ع) و بعضی از متقدمین از صحابه و تابعین اشاراتی به این موضوع شده است اما طرح آن به صورت یک مسأله آنهم به روش کلامی، بعدها صورت گرفته.

شاید بتوان گفت نخستین کسی که این مسأله را عنوان کرده و راجع به آن کتاب نوشته، جاحظ (متوفی ۲۵۵) است که کتاب *نظم القرآن* را پدید آورد. البته این کتاب در دست نیست اما خود وی در کتاب *الحيوان* از آن کتاب یاد می‌کند و می‌گوید:

من کتابی نوشته‌ام که در آن آیاتی از قرآن را جمع کرده‌ام... اگر آن را بخوانی برتری قرآن را در ایجاز و جمع معانی بسیار با الفاظ اندک در می‌یابی. سپس قطعه‌هایی از آن را نقل می‌کند<sup>۱</sup> همچنین بعضی از کسانی که پس از جاحظ دربارهٔ اعجاز قرآن و یا بلاغت آن کتاب نوشته‌اند از *نظم القرآن*

۱ - جاحظ: *الحيوان*، ج ۳، ص ۸۶.

جاحظ نام برده‌اند و مثلاً باقلاتی در کتاب خود از آن یاد می‌کند و جاحظ را به قصور یا تقصیر متهم می‌سازد زیرا که او چیز تازه‌ای نیاورده و همان مطالب متکلمین پیشین را تکرار کرده است.<sup>۱</sup> پس از جاحظ کسانی این مسأله را دنبال کردند و کتابهایی نوشتند که از جمله آنهاست کتاب اعجاز القرآن فی نظمه و تألیفه<sup>۲</sup> نوشته محمد بن زید واسطی (متوفی ۳۰۶) این کتاب نیز در دست نیست ولی مطالبی از آن را عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱) در کتاب خود دلائل الاعجاز آورده است. همچنین کتاب اعجاز القرآن<sup>۳</sup> تألیف علی بن عیسی رمانی (متوفی ۳۸۴) که از متکلمین شیعه بود و کتاب بیان اعجاز القرآن از خطابی (متوفی ۳۸۸) و کتاب اعجاز القرآن ابو بکر باقلاتی که از شهرت و معروفیت بیشتری برخوردار است.

به هر حال بحث دربارهٔ وجوه اعجاز قرآن، بحث رائجی شد و علاوه بر کتابهای مستقل به کتب کلامی و تفسیری نیز راه یافت و البته این بحث بیشتر در زمینه نظم و اسلوب و فصاحت و بلاغت قرآن بود. بعدها وجوه دیگری نیز مطرح شد و بر تعداد آن افزوده گردید تا جائی که سیوطی گفته است بعضیها وجوه اعجاز قرآن را به هشتاد وجه رسانیده‌اند<sup>۴</sup> زرکشی در کتاب البرهان فی علوم القرآن دوازده وجه برای اعجاز قرآن نقل کرده که به اختصار عبارتند از:

- ۱- خداوند مردم را از معارضه با قرآن منصرف کرده (این همان قول به صرفه است).
- ۲- اعجاز قرآن مربوط به تألیف خاص آن می‌باشد.
- ۳- اعجاز قرآن به خاطر خبرهای غیبی و پیشگوئیهای آن است.
- ۴- اعجاز قرآن به سبب قصه‌ها و اخباری است که از گذشتگان آورده است.
- ۵- اعجاز قرآن به سبب خبر دادن از باطن افراد است (نمونه‌هایی از اینگونه آیات را آورده).
- ۶- اعجاز قرآن به خاطر نظم و صحت معانی و فصاحت الفاظ آن است.

۱- باقلاتی: اعجاز القرآن ص ۶.

۲- ابن ندیم: الفهرست ص ۶۳- داوودی: طبقات المفسرین، ج ۲، ص ۱۴۸.

۳- این کتاب تحت عنوان النکت فی اعجاز القرآن به ضمیمه کتاب بیان اعجاز القرآن از خطابی و الرسالة الشافیه از جرجانی با تحقیق محمد خلف الله و محمد زغلول سلام در قاهره از طرف دارالمعارف چاپ شده گفتنی است که نام کتاب زمانی را یاقوت در معجم الادباج ۱۴، ص ۷۵ و داوودی در طبقات المفسرین، ج ۱، ص ۴۲۵ همان اعجاز القرآن ذکر کرده است.

۴- قاضی طباطبائی، تعلیقه بر اللوامع الالهیه ص ۲۲۰ به نقل از کتاب معترك الاقران سیوطی.

- ۷ - وجه اعجاز قرآن فصاحت و غرابت اسلوب و سلامت آن از هرگونه عیب است.
- ۸ - وجه اعجاز قرآن نظم و تألیف خاص آن است به گونه‌ای که در کلام عرب سابقه نداشت.
- ۹ - وجه اعجاز قرآن چیزی است که نمی‌توان از آن تعبیر کرد به این معنی که وجه اعجاز قرآن چیزی است که درک می‌شود ولی قابل توصیف نیست.
- ۱۰ - اعجاز قرآن به علت استمرار فصاحت و بلاغت در همه قرآن است.
- ۱۱ - اعجاز قرآن به علت بلاغتی است که ذوق آن را می‌فهمد و نفس آن را می‌پذیرد.
- ۱۲ - اعجاز قرآن به سبب همه آن وجوهی است که گفته شد و نباید وجه واحدی را در نظر گرفت.

زورکشی پس از نقل دوازده وجه بالا به وجوه دیگری نیز اشاره می‌کند.<sup>۱</sup>  
در اینجا نظرات بعضی از متکلمین از معتزله و اشاعره و شیعه را در مورد وجوه اعجاز قرآن به اختصار نقل می‌کنیم:

قاضی عبدالجبار معتزلی معتقد است که وجه اعجاز قرآن این است که قرآن، عرب را به معارضه طلبیده ولی آنان با وجود اینکه در فصاحت به نهایت آن رسیده بودند، با قرآن معارضه نکردند و این هیچ علتی نداشت جز آنکه از آوردن مانند قرآن عاجز بودند. بنابراین همان ترک معارضه، دلیل اعجاز قرآن است.<sup>۲</sup>

خطابی پس از نقل بعضی از وجوه می‌گوید: اعجاز قرآن از این جهت است که با فصیح‌ترین لفظها و زیباترین نظم و تألیف، صحیح‌ترین معانی را دربر گرفته است.<sup>۳</sup>  
بسیاری از معتزله فصاحت و بلاغت را جهت اعجاز قرآن می‌دانستند و می‌گفتند عربها همواره در مقابل فصاحت و بلاغت قرآن تعظیم می‌کردند.<sup>۴</sup>

باقلانی اعجاز قرآن را در دو جهت می‌داند: یکی نظم و اسلوب غریب آن و دیگری فصاحت و بلاغتی که در سطح بسیار بالائی در قرآن وجود دارد.<sup>۵</sup>

- ۱ - بدرالدین زورکشی: البرهان فی علوم القرآن ج ۲، ص ۹۳ - ۱۰۷ همین مطلب را سیوطی نیز به صورت پراکنده آورده (الاتقان، ج ۲، ص ۱۱۸).
- ۲ - عبدالجبار همدانی، شرح الاصول الخمسه، ص ۵۸۶.
- ۳ - خطابی، بیان اعجاز القرآن ص ۲۷ چاپ شده در مجموعه ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن.
- ۴ - فاضل مقداد، اللوامع الالهیه ص ۲۱۹.
- ۵ - باقلانی، اعجاز القرآن ص ۳۵.

ایچی و جرجانی بلاغت قرآن را جهت اعجاز آن می‌دانند و می‌گویند: در قرآن تمام فنون بلاغت به کار برده شده و هیچیک از بلغاء هرچند هم به قلّه آن رسیده باشند، قادر نیستند همه وجوه بلاغت را در سخن خود به کار گیرند<sup>۱</sup>.

شیخ طوسی (ره) می‌گوید: قوی‌ترین قول در نزد من قول کسی است که می‌گوید: معجز بودن و خارق‌العاده بودن قرآن به خاطر فصاحت بالای آن بانظم مخصوص که دارد، می‌باشد. فصاحت به تنهایی و نظم به تنهایی و همینطور صرفه نمی‌تواند وجه اعجاز قرآن باشد<sup>۲</sup>.

ابن میثم بحرانی اظهار می‌دارد که حق این است که جهت اعجاز قرآن مجموع سه چیز است فصاحت بالا و اسلوب خاص و اشتغال بر علوم شریفه. وی اضافه می‌کند که منظور از علوم شریفه‌ای که در قرآن موجود است عبارت است از علم توحید و علم اخلاق و سیاسات و کیفیت سلوک الی الله و علم احوال پیشینیان<sup>۳</sup>.

علامه حلی معتقد است که جهت اعجاز قرآن همان فصاحت بالغه آن است و لذا عربها همواره فصاحت قرآن را تعظیم می‌کردند و به همین جهت است که افرادی مانند ثابغه وقتی با فصاحت قرآن آشنا شدند اسلام آوردند<sup>۴</sup>.

فاضل مقداد پس از نقل اقوال در مسأله، این قول را که جهت اعجاز قرآن مجموع اسلوب و فصاحت و اشتغال بر علوم شریفه است، تقریب می‌کند<sup>۵</sup>.

این بود اجمالی از نظریه‌ها و اقوال متکلمین گذشته در مورد وجوه اعجاز قرآن و البته وجوه دیگری نیز به طور جسته و گریخته گفته شده که متکلمین به آنها اعتنا نکرده‌اند مانند: نبودن تناقض در قرآن، شیرینی و حلاوت قرآن، تازگی قرآن در گوش شنوندگان هرچند مکرر هم باشد و از این قبیل.

علاوه بر وجوهی که نقل کردیم و متکلمان گذشته قرن‌ها روی آنها بحث کرده‌اند و به تکرار مکررات پرداخته‌اند اخیراً نویسندگان معاصر بخصوص نویسندگان مصری وجوه تازه‌ای

۱ - شرح المواقف، ج ۸، ص ۲۴۵.

۲ - شیخ طوسی، الاقتصاد الهادی الی الرشاد، ص ۱۷۳، البته شیخ در تمهید الاصول قول به صرفه را تقویت کرده ولی بعدها از آن نظر برگشته است.

۳ - ابن میثم بحرانی، قواعد المرام ص ۱۳۳.

۴ - علامه حلی، مناهج البقین، نسخه خطی آستان قدس رضوی برگ ۱۲۰.

۵ - فاضل مقداد، اللوامع الالهیه، ص ۲۲۱.

را عنوان کرده‌اند که به آنها نیز اشاره می‌کنیم.

نویسندگانی مانند شیخ محمد عبده و رشید رضا و طنطاوی و مصطفی صادق‌رافعی و سید قطب و عبدالرزاق نوفل و همینطور سید هبة‌الدین شهرستانی و صبحی صالح و مانند آنها مطالب تازه‌ای دربارهٔ زیباییهای قرآن و روشهای فنی و تکنیکی ویژه‌ای که در آن بکار گرفته شده است، آورده‌اند که بعضی از آنها به همان اسلوب قرآن باز می‌گردد که از قدیم مطرح بود ولی اینها به صورت جدیدی مطرح کرده‌اند اما بعضی از آنها کاملاً تازه و بی‌سابقه است که از جمله آنها موارد زیر را می‌توان نام برد:

۱- اعجاز در آهنگ و موسیقی کلمات. شاید نخستین کسی که به این موضوع پرداخت رافعی بود که نخست در کتاب تاریخ آداب العرب و سپس در کتاب اعجاز القرآن خود، این مطلب را عنوان کرد. به عقیده او انتخاب کلمات و حتی حروف برای معانی گوناگونی از لحاظ آهنگ و موسیقی لفظ کاملاً حساب شده است و الفاظ قرآن در شدت و رخوت و ترقیق و تفخیم بامعانی آن متناسب است.<sup>۱</sup>

او معتقد است که ترکیب کلمات و حروف در قرآن براساس موسیقی خاصی است که با معانی آن هماهنگ است.<sup>۲</sup> این موضوع را مرحوم طالقانی نیز در تفسیر خود مورد توجه قرار داده است.<sup>۳</sup>

۲- اعجاز در کشف اسرار خلقت که گاهی از آن به اعجاز علمی قرآن تعبیر می‌شود نویسندگانی مانند: طنطاوی و فرید وجدی و مرحوم شهرستانی روی این مسأله بسیار کار کرده‌اند و البته غث و ثمین را در هم آمیخته‌اند و بعضی از آیات قرآنی را با علوم روز و اکتشافاتی که اخیراً در پدیده‌های هستی شده، تطبیق کرده‌اند.

۳- اعجاز عددی قرآن. این موضوع را شاید نخستین بار شخصی به نام رشاد خلیفه عنوان کرد و با استفاده از کامپیوتر چیزهایی را ارائه داد اما چون بعدها حسن نیت او زیر سؤال رفت، این تحقیقات اصالت خود را از دست داد اما بعد از او شخصی به نام عبدالرزاق نوفل کارهایی را در زمینه اعجاز عددی قرآن انجام داد که جالب است.<sup>۴</sup>

۱- رجوع شود به رافعی، تاریخ آداب العرب، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲- رافعی اعجاز القرآن ص ۲۴۱ به بعد.

۳- رجوع شود به تفسیر پرتوی از قرآن جلد مربوط به تفسیر جزء آخر قرآن.

۴- رجوع شود به عبدالرزاق نوفل، الاعجاز العددی فی القرآن.